



در بازار ارز می‌تواند مطرح باشد، برقراری نظام نرخ ارز ثابت است. در نقد این سناریو نیز باید گفت رژیم نرخ ارز ثابت، سیستمی است که در آن نرخ برابری یک پول به جای بازار توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود. در چنین نظامی کار بانک مرکزی این است که اجازه تغییر نرخ ارز بیش از مقدار هدف‌گذاری شده را ندهد. چنانچه کشوری که دارای نظام نرخ ارز ثابت است، کنترل‌های سرمایه‌ای را کنار بگذارد، ممکن است با بحران پولی روبه‌رو شود و مهم‌تر از همه مدیریت بازار ارز و مرتفع کردن نوسانات نرخ ارز که مستلزم برخورداری از ذخایر ارزی بالایی است. ضمن اینکه این سیستم ظرفیت جذب شوک پایینی دارد و شوک‌ها عمدتاً با تحولات در بخش حقیقی اقتصاد جذب می‌شوند.

با توجه به شرایط پیش آمده در بازار ارز و با عنایت به این نکته که اقتصاد ایران در این چند سال اخیر شاهد افزایش تورم در بازار دارایی‌ها است، یکی از راهکارهای کنترل آن، ثبات بخشیدن به بازار ارز است و نتیجه نهایی آن ثبات بخشی به کلیت اقتصاد خواهد بود. این موضوع جدیدی نیست و تجربه نشان می‌دهد که اجرای سیاست‌های تنظیمی در بازارهای مستعد شکست، بارها توسط کشورهای مختلف به کار گرفته شده که یک مورد آن پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ بود که مقرراتی از جمله تغییراتی در پازل ۳ در نظر گرفته شد، تا بتوانند ثبات را به اقتصاد کشورها برگردانند. این سیاست‌ها بنا به اقتضات، حتی در اقتصادهای بازاری نیز پیاده‌سازی می‌شود.

سلیقه مصرف‌کننده به خرید کالاهای خارجی و به تبع آن بروز تقاضای کالی غیرمجاز، احتمال اینکه بتوان تقاضای ارز در این بازار را به صفر رساند، بسیار کم است. این در شرایطی است که تحولات نرخ ارز در بازار غیررسمی تابع تغییرات متغیرهای بنیادی تعیین‌کننده نرخ ارز نیست و در عوض فعالیت‌های سفته‌بازانه و معاملات فردایی که از شبکه‌های اجتماعی برای علامت‌دهی استفاده می‌نمایند و همچنین انتشار اخبار مثبت و منفی و جو روانی ناشی از آن، تعیین‌کننده مسیر حرکت نرخ ارز در این بازار است. بنا بر مراتب یاد شده، واگذاری تعیین مسیر حرکت نرخ ارز به نیروهای حاضر در بازار غیررسمی موجب تشدید شرایط نااطمینانی و بروز اثرات سوء اقتصادی بعدی نظیر افزایش شدیدتر تورم، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد و کاهش شدید رشد اقتصادی خواهد شد.

سناریوی دیگری که برای ایجاد ثبات

کنترلی افزوده شده تا اقتصاد به حالت باثبات مورد نظر سیاستگذار بازگردد.

در زمینه ثبات بخشی به بازار ارز اقداماتی صورت گرفته، از جمله اینکه بنا بر مصوبه شورای پول و اعتبار مرکز مبادله ارز و طلای ایران از اسفندماه سال ۱۴۰۱ راه‌اندازی شده و به نوعی بورس ارز شکل گرفته است. در این سازگار مقرر است که منابع ارزی لازم از محل صادرات شرکت‌های صنایع پتروشیمی، مس، معادن، فولاد، پالایش نفت و سایر صادرکنندگان در تالار حواله مرکز مبادله ارز و طلای ایران تأمین و جهت فروش به واردکنندگان عرضه شود. به علاوه در تالار ارز خدماتی مرکز مبادله ارز و طلا نیز تقاضای ارز برای مصارف خدماتی پاسخ داده می‌شود و با بررسی اسناد و مدارک مثبت به توسط دستگاه‌ها و نهادهای ذریبط، اهلیت و اصالت این نوع تقاضاها مورد بررسی قرار می‌گیرد. مکانیسم کشف قیمت در این مرکز نیز در دو تالار نقد و حواله ارز بر مبنای منابع و مصارف ارزی کشور و بر اساس متغیرهای بنیادین اقتصادی است و مبنای معاملات فی‌مابین عرضه‌کنندگان و متقاضیان ارز خواهد بود. با این حال، باید توجه داشت که مقررات‌زایی از بسترها و بازارهای رسمی تعیین نرخ ارز و عدم مدیریت قیمت و مقدار در این بازار موجب خواهد شد تا بخشی از بازار رسمی ارز، متأثر از عوامل انتظاری و روانی به شدت نوسانی و ملتهب شود و به تبع آن مسیر حرکت نرخ ارز نیز پیش‌بینی‌پذیر نخواهد بود و فعالان اقتصادی با نوعی فضای نااطمینانی مواجه باشند که این نیز تصمیمات تولید و سرمایه‌گذاری را بسیار سخت خواهد کرد. لذا با توجه به شرایط جاری در بخش خارجی اقتصاد کشور، درجه‌ای از مقررات‌گذاری در بازارهای رسمی ضرورتی انکارناپذیر است. در کنار اصلاح ساختار بازار رسمی ارز که در قالب شکل‌گیری مرکز مبادله ارز و طلای ایران دنبال می‌شود، بانک مرکزی با همراهی سایر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها مجموعه‌ای از اقدامات را به منظور حفظ ثبات در بازار ارز در دستور کار خود دارد که اهم موارد آن به شرح ذیل ارائه می‌شود:

● در بحث تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو، بانک مرکزی ارز مورد نیاز این کالاهای را با نرخ ترجیحی تأمین می‌کند و با توجه به تجربه تورم‌های بالا و وضعیت بودجه خانوار، تأمین کالاهای اساسی و دارو را با نرخ پایین‌تری نسبت به نرخ بازار انجام داده



در زمینه ثبات بخشی به بازار ارز اقداماتی صورت گرفته، از جمله اینکه بنا بر مصوبه شورای پول و اعتبار مرکز مبادله ارز و طلای ایران از اسفندماه سال ۱۴۰۱ راه‌اندازی شده و به نوعی بورس ارز شکل گرفته است

که نوعاً سیاستی حمایتی است. در همین ارتباط ارتقای نظارت عملیاتی بر فعالیت ترانستی‌ها نیز در دستور کار است و بانک مرکزی پیگیری بوده که اشراف بیشتری نسبت به منابع و مصارف ارزی کشور داشته باشد تا بتواند بازار ارز را به شکل بهتری مدیریت کند.

● بحث حکمرانی ریال تأثیر معناداری در بحث خروج سرمایه و قاچاق دارد که این موضوع نیز با قوت در حال پیگیری است.

● بانک مرکزی در صدد است تا بین منابع و مصارف ارزی کشور رابطه مناسب وجود داشته باشد. در این رابطه تلاش بر این است که با هماهنگی با دستگاه‌هایی که متقاضی عمده ارز هستند، مانند وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت بهداشت، از ثبت یکباره حجم بالایی از تقاضای ارز ممانعت شود و تخصیص و تأمین ارز واردات در قالب یک برنامه کنترل شده و با توجه به نقشه تجاری ارز. ارزی کشور صورت گیرد تا موجب برهم زدن ثبات نسبی بازار رسمی ارز نشود.

● در بحث مدیریت بازار ارز نیز مصوبات و دستورالعمل‌هایی ابلاغ شده که برای مثال در بحث فروش اسکناس ارز، موضوع الزام به افتتاح حساب ارزی مطرح شد که عملکرد مثبتی داشت و تقاضای اسکناس ارز را کاهش داده است. به علاوه بانک مرکزی به صورت محدود مداخله حاشیه‌ای در بازار غیررسمی نیز انجام داده تا شوک‌های گذرا را مدیریت کند. رویکرد مثبت دیگری که در ماه‌های اخیر محقق شده توسعه تعاملات با کشورهای همسایه و شرکای تجاری است که نقش مهمی در مدیریت انتظارات فعالان اقتصادی نسبت به

شرایط آتی بخش خارجی اقتصاد داشته است.

● در بحث سیاست‌های پولی هم تلاش شد تا انگیزه ورود سرمایه‌گذاران ایجاد شود و انگیزه ورود و بازارهای دارایی کاهش یابد. از جمله سیاست‌های دیگری که پیگیری شد، افزایش ۰.۵ واحد درصدی سپرده قانونی بود که توانست ضریب فزاینده را در سال جاری کاهش دهد و رشد نقدینگی بعد از این تصمیم محدود شد و این چشم‌انداز وجود دارد که در ماه‌های آتی به هدف اصلی که ۲۵ درصد است، دست یابیم.

● بانک مرکزی در کنار کنترل رشد ترانزنامه بانک‌ها با هدف کنترل رشد نقدینگی، بحث هدایت نقدینگی را نیز در سال جاری در دستور کار دارد تا کاهش رشد نقدینگی منجر به محدودیت دسترسی فعالیت‌های مولد اقتصادی به نقدینگی نشود، چرا که هدف بانک مرکزی این است که نقدینگی از فعالیت‌های سفته‌بازی به سمت فعالیت‌های مولد حرکت کند.

بحث حل و فصل بانک‌های ناتراز و کنترل اضافه برداشت بانک‌ها نیز در حال پیگیری است تا به اهداف مورد نظر برسد.

بنابر مراتب مذکور در واقع بانک مرکزی حداکثر تلاش خود را به کار گرفته تا از طریق راهکارهای ثبات نرخ ارز، کنترل نقدینگی، تقویت حکمرانی پول، کنترل ناترازی بانک‌ها، کنترل نرخ تورم، تقویت تنظیم‌گری، هدایت نقدینگی، کنترل اضافه برداشت و اجرای نظام گزیر در مورد بانک‌هایی که قادر به حل مشکل ناترازی نیستند، به سمت پایدار کردن، شفاف کردن و با ثبات کردن افق کسب و کار در نظام اقتصادی کشور بویژه از طریق ثبات بخشی به نظام پولی و بانکی کشور حرکت کند.



در فاکتور، خارج کردن منابع از مسیر مصرف و... در آن کشور به دلیل فرهنگ ژاپنی وجود ندارد که ما در ایران این مزیت‌ها را نداریم. بانک مرکزی و نظام باید ارزیابی داشته باشند که مضرات و منافع این سیستم برنامه‌ریزی شده چقدر بوده است؟ تجربه چند دهه سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که این سیستم، هر چقدر هم که نظارت داشته باشد، سیستمی مبتنی بر رانت، فساد و تخصیص ناکارای منابع است که در هر سیستم برنامه‌ریزی‌شده وجود دارد. اما شرایط حساس کنونی که عنوان می‌کنید، عمدتاً ناشی از تحریم‌ها نیست و این ساختار را ما خودمان ایجاد کرده‌ایم و باید ببینیم در این سیستم رانت وجود دارد و مافیای ریشه دوانده است. مسأله این است که در چنین شرایطی بانک مرکزی تا چه اندازه استقلال کافی دارد که این توزیع منابع پولی را به صورت صحیح انجام دهد، بویژه در بخش ریالی که شما می‌توانید نامحدود خلق پول کنید. ممکن است این انتقاد را به ما بکنید و در مقابل این انتقاد هم تسلیم هستم که ما کتابی و تئوریک و نظری عمل می‌کنیم، اما معتمد که مضرات این سیستم در حال حاضر بیشتر از منافع آن است. البته بر هم زدن این ساختار نیز تصمیمی سیاسی است که بالاخره باید گرفته شود. باید از مقامات بالای کشور تصمیم‌های کافی برای این ساختار شکنی گرفته شود و بدون این تضمین‌ها و حمایت‌های سیاسی از سوی مقامات کشور، نمی‌توان یک شبکه ساختار چند نرخ را کنار گذاشت اما می‌توان این ساختار را بهینه کرد و مثلاً گفت آنجایی که نظارت و کنترل کافی ندارم، منابع تخصیصی را به نرخ بازار نزدیک می‌کنم.

در چنین شرایطی بانک مرکزی تا چه اندازه استقلال کافی دارد که این توزیع منابع پولی را به صورت صحیح انجام دهد، بویژه در بخش ریالی که شما می‌توانید نامحدود خلق پول کنید. ممکن است این انتقاد را به ما بکنید و در مقابل این انتقاد هم تسلیم هستم که ما کتابی و تئوریک و نظری عمل می‌کنیم، اما معتمد که مضرات این سیستم در حال حاضر بیشتر از منافع آن است. البته بر هم زدن این ساختار نیز تصمیمی سیاسی است که بالاخره باید گرفته شود. باید از مقامات بالای کشور تصمیم‌های کافی برای این ساختار شکنی گرفته شود و بدون این تضمین‌ها و حمایت‌های سیاسی از سوی مقامات کشور، نمی‌توان یک شبکه ساختار چند نرخ را کنار گذاشت اما می‌توان این ساختار را بهینه کرد و مثلاً گفت آنجایی که نظارت و کنترل کافی ندارم، منابع تخصیصی را به نرخ بازار نزدیک می‌کنم.

سیستم به بلوغ برسد، اما این ساختار دیگر گنجایش بیشتر از این منابع پولی را به صورت صحیح انجام دهد، بویژه در بخش ریالی که شما می‌توانید نامحدود خلق پول کنید. ممکن است این انتقاد را به ما بکنید و در مقابل این انتقاد هم تسلیم هستم که ما کتابی و تئوریک و نظری عمل می‌کنیم، اما معتمد که مضرات این سیستم در حال حاضر بیشتر از منافع آن است. البته بر هم زدن این ساختار نیز تصمیمی سیاسی است که بالاخره باید گرفته شود. باید از مقامات بالای کشور تصمیم‌های کافی برای این ساختار شکنی گرفته شود و بدون این تضمین‌ها و حمایت‌های سیاسی از سوی مقامات کشور، نمی‌توان یک شبکه ساختار چند نرخ را کنار گذاشت اما می‌توان این ساختار را بهینه کرد و مثلاً گفت آنجایی که نظارت و کنترل کافی ندارم، منابع تخصیصی را به نرخ بازار نزدیک می‌کنم.

سیستم به بلوغ برسد، اما این ساختار دیگر گنجایش بیشتر از این منابع پولی را به صورت صحیح انجام دهد، بویژه در بخش ریالی که شما می‌توانید نامحدود خلق پول کنید. ممکن است این انتقاد را به ما بکنید و در مقابل این انتقاد هم تسلیم هستم که ما کتابی و تئوریک و نظری عمل می‌کنیم، اما معتمد که مضرات این سیستم در حال حاضر بیشتر از منافع آن است. البته بر هم زدن این ساختار نیز تصمیمی سیاسی است که بالاخره باید گرفته شود. باید از مقامات بالای کشور تصمیم‌های کافی برای این ساختار شکنی گرفته شود و بدون این تضمین‌ها و حمایت‌های سیاسی از سوی مقامات کشور، نمی‌توان یک شبکه ساختار چند نرخ را کنار گذاشت اما می‌توان این ساختار را بهینه کرد و مثلاً گفت آنجایی که نظارت و کنترل کافی ندارم، منابع تخصیصی را به نرخ بازار نزدیک می‌کنم.

تبریک گفت. در مورد تقاضا چه کاری می‌توان انجام داد، وقتی فرد می‌بیند پس‌انداز ریالی روزبه‌روز ارزش خود را از دست می‌دهد و پیش‌بینی هم می‌کند که بانک مرکزی نمی‌تواند نرخ ارز را روی یک عدد مشخص حفظ کند؟ درست است که گشایش‌هایی در حد ۶ میلیارد دلار انجام شده، اما چقدر دوام می‌آورد و با این ۶ میلیارد دلار در حالی که تورم بالا داریم، چند ماه می‌توان ارز تزریق کرد و بازار را نگه داشت؟ بنابراین افراد خیالشان راحت است که خرید ارز حداقل به اندازه نرخ سود بانکی و با احتمال زیادی بیش از آن بازده خواهد داشت. نظام سیاسی کشور باید تصمیم بگیرد که آیا قصد دارد در تخصیص منابع پولی به صورت برنامه‌ریزی شده عمل کند یا خیر؟ به نظر من در سیاست برنامه‌ریزی شده کشورهای دیگر باید از تجربه ایران الگوبرداری کنند، ۴۳ سال تحریم بوده‌ایم و واقعاً در سیستم برنامه‌ریزی شده منابع پولی خوب عمل می‌کنیم، اما این ساختار بیش از این ظرفیت ندارد.



در حوزه حکمرانی پولی کاملاً برنامه‌ریزی شده عمل می‌کنیم و نیاز به یک تصمیم سیاسی و استراتژیک داریم که به سمت تعدیل برویم



ارز چندنرخ به یکباره قابل حذف نیست

بانک مرکزی و نظام باید ارزیابی داشته باشند که مضرات و منافع این سیستم برنامه‌ریزی‌شده چقدر بوده است؟ تجربه چند دهه سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که این سیستم، هر چقدر هم که نظارت داشته باشد، سیستمی مبتنی بر رانت، فساد و تخصیص ناکارای منابع است که در هر سیستم برنامه‌ریزی‌شده وجود دارد. اما شرایط حساس کنونی که عنوان می‌کنید عمدتاً ناشی از تحریم‌ها نیست و این ساختار را ما خودمان ایجاد کرده‌ایم و باید ببینیم در این سیستم رانت وجود دارد و مافیای ریشه دوانده است. مسأله این است که در چنین شرایطی بانک مرکزی تا چه اندازه استقلال کافی دارد که این توزیع منابع پولی را به صورت صحیح انجام دهد، بویژه در بخش ریالی که شما می‌توانید نامحدود خلق پول کنید. ممکن است این انتقاد را به ما بکنید و در مقابل این انتقاد هم تسلیم هستم که ما کتابی و تئوریک و نظری عمل می‌کنیم، اما معتمد که مضرات این سیستم در حال حاضر بیشتر از منافع آن است. البته بر هم زدن این ساختار نیز تصمیمی سیاسی است که بالاخره باید گرفته شود. باید از مقامات بالای کشور تصمیم‌های کافی برای این ساختار شکنی گرفته شود و بدون این تضمین‌ها و حمایت‌های سیاسی از سوی مقامات کشور، نمی‌توان یک شبکه ساختار چند نرخ را کنار گذاشت اما می‌توان این ساختار را بهینه کرد و مثلاً گفت آنجایی که نظارت و کنترل کافی ندارم، منابع تخصیصی را به نرخ بازار نزدیک می‌کنم.